

تحلیل روابط فضایی خانه‌های روستایی براساس نگرش فرهنگی-اجتماعی (مطالعه موردی: روستای کوهپیر)

وحید حیدرنتاج*، سهیلا احمدی**

تاریخ دریافت مقاله:

1396/07/11

تاریخ پذیرش مقاله:

1398/02/16

چکیده

عوامل متعددی در شکل‌گیری فضاهای روستایی تأثیر گذارند که میزان اهمیت و تأثیرگذاری همه آن‌ها یکسان نیست. یکی از مهم‌ترین این عوامل، عوامل فرهنگی-اجتماعی می‌باشد که رسیدن به درک فضایی و مفاهیمی که در معماری خانه‌های روستایی وجود دارد را امکان‌پذیر می‌سازد. بنابراین در نوشتار حاضر سعی شده است تا با تعیین جایگاه و اهمیت عوامل مذکور در شکل‌گیری روابط فضایی خانه‌های روستایی، نحوه تأثیر نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی بر شکل‌دهی تشریح شود. مبانی و چهارچوب نظری این پژوهش از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای انجام پذیرفته و سپس جدولی برای چگونگی تأثیر نگرش مذکور در شکل‌گیری روابط فضایی خانه‌های روستایی براساس نظر متخصصان تدوین شده است. در ادامه، یافته‌های حاصل در خانه‌های روستایی غرب استان مازندران یعنی منطقه کوهستانی شهرستان کلاردشت به‌عنوان نمونه مطالعاتی از معماری روستایی شمال ایران، مورد بررسی قرار گرفته است. جهت تعمیم نتایج به سایر روستاهای کوهستانی منطقه، روستای کوهپیر با قدمت بیشتر و سه خانه قدیمی‌تر از این روستا در سه گونه متفاوت انتخاب شد که در تمامی منطقه تکرار می‌شود. اطلاعات این بخش براساس مطالعات میدانی در روستا (عکس، نقشه و مصاحبه) استخراج و با استدلال منطقی به نتیجه رسید. در نهایت نتایج به‌صورت جداولی که در آن‌ها عناصر فضایی و سازمان فضایی در ارتباط با روابط فضایی خانه‌ها به‌صورت دسته‌بندی مشخص شده، در جدولی به‌صورت شکلی ارائه و نتایج حاصل از تحلیل فضایی در این جداول، از نمودار توجیهی بهره گرفته شد. نتایج نشان می‌دهد که نگرش فرهنگی-اجتماعی در پاسخ به نیازهای مادی و غیرمادی انسان شکل می‌گیرد و در روابط فضایی خانه‌های روستایی نمود پیدا می‌کند. این نمود در روستای مورد نظر، بیشتر در محرمیت و جداسازی حریم عمومی و خصوصی (مهمان و خانواده) قبل از ورود به داخل خانه صورت گرفته است و مشخص شده است که بررسی عمق فضاها در خصوصی یا عمومی بودن فضا هیچ تأثیری ندارد بلکه مهم روابط فضایی خانه‌های روستایی است که براساس این دو فضا سازمان می‌یابد.

19

کلمات کلیدی: خانه‌های روستایی، نگرش اجتماعی، نگرش فرهنگی، روابط فضایی، رفتار.

* عضو هیئت علمی و استادیار دانشکده معماری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران. v.heidarnattaj@umz.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی‌ارشد رشته معماری معماری، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

مقدمه

در شکل‌گیری فضاهای خانه‌های روستایی عوامل مختلفی تأثیر می‌گذارد که به‌طور کلی به‌عنوان عوامل مرتبط با طبیعت و مرتبط با انسان شناخته می‌شوند. عوامل طبیعی همان اقلیم و خصوصیات جغرافیایی و حتی مصالح بومی می‌باشد که در ساختار کالبدی روستا تأثیر می‌گذارد و عوامل مرتبط با انسان همان عوامل فرهنگی و اجتماعی است که روابط فضایی خانه‌های روستایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (خاکپور و عشقی، 1393: 4). فهم ارتباطات فضایی در واقع نوعی ارتباط خاص بین مصرف‌کننده و فضای مورد نظر است. بنابراین می‌توان با شناخت ارتباطات فضایی و روابط اجتماعی افراد مصرف‌کننده، آن‌ها را باز شناخت و شناخت روابط اجتماعی در فضاها به معنی شناخت فعالیت‌های مصرف‌کنندگان در داخل فضاها است (معماریان و طبرسا، 1392: 107). این تعاریف همان الگوی زیستی پنهان است که هانس و هیلر آن‌را به‌عنوان یک تعریف پایه برای رسیدن به هدف خود که تحلیل روابط فضایی است معرفی می‌کنند و آن‌را جنوتایپ می‌نامند. این واژه‌ای است که در زیست‌شناسی کاربرد دارد. معنای کلی آن، مجموعه اطلاعاتی است که در درون یک "نوع" یا «گونه» موجود وجود دارد و این اطلاعات درونی است که بر فرم شی حکومت دارد (سهیلی و عارفیان، 1395: 477). بنابراین شناخت الگوی پنهان موجود در کالبد بنا، به معنی شناخت روابط اجتماعی است که در داخل فضاها اتفاق می‌افتد (معماریان، 1381: 77). معماری گذشته با هماهنگی تمام شرایط محیطی و نیازهای ساکنین به‌دنبال حفظ آسایش کاربران و بیان‌کننده هویت اجتماعی و فرهنگی آن‌ها بوده اما فرایندهای تقلیدی خانه‌های امروزی بدون توجه به ارزش‌های هویتی، فرهنگی، خاطرات فردی و

جمعی و شیوه زندگی اصیل ساکنان، بحران هویتی در خانه‌های امروز را به‌همراه داشته است (Aly and SHafik, 2011). با توجه به اینکه سازندگان خانه‌های روستایی تلاش کردند تا با ایجاد رابطه‌ای دوستانه بین محیط، فرهنگ و فرم معماری، فضاهای زندگی را در جهت انسانی شدن سوق دهند، می‌توان از روابط فضایی این بناها در معماری خانه‌های امروزی بهره برد (هدایت، طبائیان، 1391: 36). خانه‌های روستایی کوهپرا در بخش کلاردشت نمونه مناسب از یک فضای زندگی با آسایش مادی و معنوی در یک منطقه کوهستانی می‌باشد. به‌طوری که امروزه بی‌توجهی به این خانه‌ها به‌حدی زیاد شده است که تمامی ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی و مفاهیم درونی و روابط فضایی آن‌ها در معماری امروز از بین رفته است. این نوشتار سعی بر آن دارد تا با نگاه کاربردی به گذشته، به اطلاعات درونی که در فضای معماری خانه‌های روستایی نهفته است و باعث شکل‌گیری آن‌ها شده است، دست یابد و تجربیات گذشته را در یک دسته‌بندی منظم و به زبانی ساده به‌عنوان مرجعی مهم برای درک بهتر فضا و معماری، در دسترس دانشجویان معماری قرار دهد. در این پژوهش ابتدا به پیشینه نگرش فرهنگی - اجتماعی و تحلیل روابط فضایی پرداخته می‌شود و در آخر نتایج به دست آمده از روابط فضایی خانه‌های قدیمی روستای کوهپرا کلاردشت در غرب استان مازندران در یک دسته‌بندی شکلی منظم به‌صورت نمودار توجیهی ارائه می‌گردد.

پرسش پژوهش

1. نگرش فرهنگی و اجتماعی چه تأثیری بر تحلیل روابط فضایی خانه‌های روستایی دارد؟
2. روابط فضایی در خانه‌های روستایی مازندران چگونه است؟

برای انجام این پژوهش، اطلاعات مورد نیاز با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و استدلال منطقی و مطالعه میان‌موردی، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. در این راستا در قسمت اول، پیشینه پژوهش و تعاریف در رابطه با موضوع با استفاده از رویکرد کیفی و مطالعات کتابخانه‌ای و بازنگری در پژوهش‌های انجام شده صورت گرفته است. در قسمت دوم، در بخش عملی با روش مطالعه میان‌موردی، اطلاعات نظری این نوشتار در خانه‌های روستایی شمال ایران در غرب استان مازندران در منطقه کوهستانی کلاردشت ارزیابی گردید. در این راستا به یکی از روستاهای این منطقه به نام روستای کوهپیر در کلاردشت مراجعه و نمونه‌های انتخاب شده در این روستا با ابزار مشاهدات میدانی و برداشت نقشه و عکسبرداری تحلیل شد و در آخر با ساکنان خانه‌های مذکور و افرادی که در آن روستا ساکن بوده و مدت زیادی در آن اقامت داشته و از اطلاعات کافی برخوردار بودند مصاحبه شد. برای اینکه بتوان نتیجه مطالعات روی نمونه‌های بررسی شده را به سایر روستاهای کوهستانی منطقه تعمیم داد، روستایی انتخاب شد که قدمت بیشتری داشته باشد و سه خانه در سه گونه متفاوت انتخاب شد که در تمامی این منطقه تکرار می‌شود و نسبت به سایر خانه‌های موجود در این روستا قدیمی‌تر است. در نهایت یافته‌های نظری این نوشتار با استفاده از روش استدلال منطقی تحلیل شد و نتایج به صورت جداگانه که در آن‌ها عناصر فضایی، سازمان فضایی و تحلیل فضایی (با کمک نمودار توجیهی) نشان داده می‌شود، ارائه گردیده است.

پیشینه پژوهش

در دنیای معاصر مبحث اثرگذاری عوامل فرهنگی - اجتماعی بر کالبد سکونتگاه‌ها در دهه‌های 1950 و

1960 به‌عنوان رویکردی غالب در پژوهش‌های علوم اجتماعی مطرح شده است. از حدود سی سال پیش تاکنون محققانی چون پاور الیور¹ و راپاپورت² با نگرش خاص فرهنگی - اجتماعی خود به موضوعات معماری، فرهنگ و جامعه به‌طور عمیق پرداخته‌اند. راپاپورت در خصوص تأثیر عوامل اجتماعی-فرهنگی بر شکل بنا، بر این باور است که شکل بنا، براساس نیازها و نوع آن نبوده، بلکه مبتنی بر پاسخی است که در فرهنگ‌های مختلف به آن داده می‌شود و معتقد است که شکل معماری قبل از هرچیز به فرهنگ آن وابسته است (خاکپور و عشقی، 1393: 4). همان گونه که راپاپورت بیان داشته است «فضا دارای معنا است» و گروت و وانگ نیز بر لزوم توجه طراحان محیط به وجوه اجتماعی-فرهنگی تأکید نموده‌اند (راپاپورت³، 1969: 82-46، به نقل از مداحی و معماریان، 1395: 50). از این رو باید تحلیل روابط فضایی به‌منظور فهم ارتباط بین طراحی فضاهای ساخته شده و ابعاد فرهنگی آن مورد بررسی قرار گیرد. تحلیل روابط اجتماعی فضا در اوایل دهه 1970 توسط استدمن⁴، بیل هیلیر و جولیان هانسن⁵ و همکارانشان در مدرسه معماری پس از سال‌ها مطالعه در فرم‌های فضاهای سکونت بومی مطرح شد که هدف اصلی آن‌ها پی بردن به روابط اجتماعی در فضا مانند ایجاد حریم‌ها و درجه خصوصی و عمومی بودن فضاها می‌باشد. در ایران نیز عباس‌زادگان و معماریان اولین محققانی بوده‌اند که به تحلیل روابط فضایی با توجه به عوامل فرهنگی و اجتماعی پرداختند (همان).

مطالعات موردی گوناگون در تحلیل فضاها صورت گرفته است به‌عنوان مثال دانشجویانی در ترکیه، خانه‌های کشور ترکیه را تجزیه و تحلیل کرده‌اند و با برداشت تعداد زیادی خانه و تهیه نمودار توجیهی از آن‌ها به ارزیابی اجتماعی از فضاهای آن پرداخته‌اند.

نمودارهای آنها نشان می‌دهد که در این خانه‌ها خصوصی‌ترین و عمومی‌ترین فضا کدام است (معماریان، طبرسا، 109: 1392). همچنین بلال در سال 2003 و 2007 تأثیر نگرش اجتماعی، فرهنگی و مذهبی مردم روستای موزانیت الجزایر را در شکل‌گیری فضا و ساختار خانه‌های آن روستا بررسی کرد. او اذعان داشت که خانه‌ها براساس کاربران به دو عرصه مهمان مرد و ساکنین تقسیم شده‌اند که علت اصلی آن فرهنگ و اعتقادات مذهبی ساکنان روستا می‌باشد (Bellal, 2013). علاوه بر آن در پژوهش‌های ایرانی، دکتر معماریان (1384) یک خانه در ماسوله را مثال می‌زند و این طور استدلال می‌کند که بالکن بیشترین عمق را دارد درحالی که خصوصی‌ترین فضای خانه نیست و در ادامه پیشنهاد به بررسی این خانه توسط دو گراف به صورت بخشی جدا شده از گراف توجیهی برای فصل تابستان و زمستان ارائه داده است. سیادتان و پورجعفر (1393) نیز به سازمان فضایی خانه‌ای در ماسوله پرداختند. آنها چغم، اتاق و سومه را به عنوان فضاهای خصوصی و دالان، بالکن و راه پله را به عنوان فضاهای نیمه خصوصی شناسایی کرده‌اند (سیادتان، پورجعفر، 1393: 39). همچنین طباطبایی ملاذی و صابرنژاد (1394) برای پیکره‌بندی فضایی هماهنگ با روابط اجتماعی و فرهنگی در خانه‌های روستایی لافت از ترسیم نمودار توجیهی بهره بردند. آنان به این نتیجه رسیدند که خانه‌های منطقه، در کل دارای عمق کم و تک لایه بوده به گونه‌ای که فضای مهمان در کمترین عمق و پس از آن بادگیر و در نهایت، اتاق واقع شده است (طباطبایی ملاذی و صابرنژاد، 1394: 75). بعد از آنها رکنی و احمدی (1396) به واکاوی پیچیدگی‌های روابط اجتماعی و فرهنگی مستتر در ساختار پلان خانه‌های بومی مشهد پرداخته است. یافته‌های آنها بیان می‌دارد که اتاق‌های همکف کارکردی چندگانه براساس فعالیت افراد

خانه دارد و فضای بهار خواب و ایوان به‌عنوان فضایی باز مکمل فضاهای بسته است. همچنین هشتی منقطع کننده عرصه عمومی از عرصه خصوصی خانه است. جدول شماره 1 نمودار توجیهی دو خانه در ماسوله، یک نمونه از نمودار توجیهی خانه‌ای در روستای لافت در قشم، خانه‌ای در روستای موزانیت الجزایر و همچنین خانه‌ای بومی در مشهد را نشان می‌دهد.

مبانی نظری پژوهش

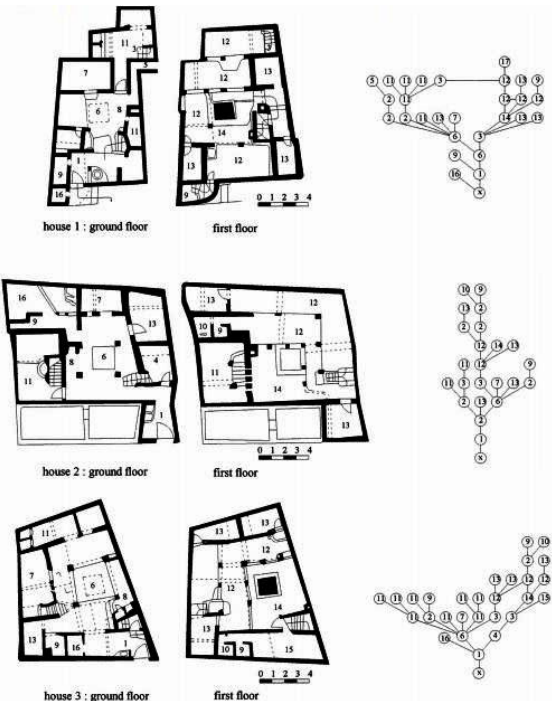
در ادامه این مقاله مفاهیم و تعاریف مرتبط با موضوع که در ارزیابی روابط فضایی با نگرش فرهنگی - اجتماعی در خانه‌های روستایی محدوده مورد مطالعه به‌کار رفته است، تبیین شده‌اند.

ویژگی روستا و خانه‌های روستایی

روستا یکی از عرصه‌های پایدار و بسیار کهن سکونت جمعی انسان است و شامل فضاهای عمومی است که زندگی اجتماعی در آن شکل می‌گیرد (خاکپور، شیخ مهدی، 1390: 233). وقتی بناهای روستایی را مشاهده می‌کنیم به‌نظر ساده و ابتدایی می‌رسند اما حقیقت این است که این بناها توسط مردمی ساخته شده‌اند که تمام توانشان را برای ساختن آنها بکار گرفته‌اند و از تمامی روابط موجود بین خودشان در ساختن آنها استفاده کرده‌اند (زرگر، 1390: 9). در گذشته هرگاه فردی می‌خواست خانه‌ای بسازد، در یکی از پیچیده‌ترین طولانی‌ترین تصمیم‌گیری‌های زندگی خود، درگیر می‌شد. و مسئولیت شکل نهایی خانه را به‌عهده می‌گرفت (فتحی، 1382: 70). در واقع همان کسی که فرم را ساخته نه تنها همان شخصی است که در فرم زندگی می‌کند بلکه علاوه بر آن رابطه‌ای نزدیک و خاص نیز بین او و فرم وجود دارد که منجر به سازماندهی مجدد و رفع جزییات ناراضی کننده و موجب پیشرفت دائمی می‌شود (الکساندر، 1384: 58).

الگو	منبع تصویر	معرفی												
<p>الگو (الف) الگوی دسترسی عمومی</p> <p>الگو (ب) الگوی دسترسی فصل تابستان</p> <p>الگو (ج) الگوی دسترسی فصل زمستان</p>	<p>کتاب سیری در مبانی نظری معماریان، 1384: 417</p>	<p>شکل 1- نمودار توجیهی خانه‌ای در ماسوله</p>												
<table border="1" data-bbox="288 1218 895 1289"> <tr> <td>پله</td> <td>سومه</td> <td>اتاق</td> <td>دالان</td> <td>چشم</td> <td>بالکن</td> </tr> <tr> <td>(۳,۲,۲,۱,۱)</td> <td>(۳,۲,۲,۱,۱)</td> <td>(۳,۲,۱,۱,۱)</td> <td>(۴,۳,۳,۲,۱)</td> <td>(۲,۲,۱,۱,۱)</td> <td>(۲,۱,۳,۴,۳)</td> </tr> </table> <p>ترتیب ارتباط فضاها نسبت به سازمان فضایی (از بیشترین درجات عمق تا کمترین درجات عمق)</p> <p>چشم > اتاق > سومه > پله > بالکن > دالان</p>	پله	سومه	اتاق	دالان	چشم	بالکن	(۳,۲,۲,۱,۱)	(۳,۲,۲,۱,۱)	(۳,۲,۱,۱,۱)	(۴,۳,۳,۲,۱)	(۲,۲,۱,۱,۱)	(۲,۱,۳,۴,۳)	<p>سعید رضا سیادتان و محمد رضا پورجعفر، 1392: 32</p>	<p>شکل 2- نمودار توجیهی خانه‌ای در ماسوله</p>
پله	سومه	اتاق	دالان	چشم	بالکن									
(۳,۲,۲,۱,۱)	(۳,۲,۲,۱,۱)	(۳,۲,۱,۱,۱)	(۴,۳,۳,۲,۱)	(۲,۲,۱,۱,۱)	(۲,۱,۳,۴,۳)									
<p>خانه زهریه کاد عبدالحمید</p>	<p>فاطمه طباطبایی و ملاذی زاله صابرزاد، 1394: 79</p>	<p>شکل 3- نمودار توجیهی خانه‌ای در روستای لافت در قشم</p>												

ج 1. انواع نمودار توجیهی.

الگو	منبع تصویر	معرفی
	<p>Bellal, 2013: 9</p>	<p>شکل 4- پلان و نمودار توجیهی خانه‌های در روستای موزانبیت الجزایر</p>

ادامه ج 1. انواع نمودار توجیهی.

نگرش فرهنگی - اجتماعی

اجتماعی انسان‌ها را می‌سازد متأثر از نگرش فرهنگی انسان‌ها است. رفتارهای اجتماعی از نوع کنش‌های معنادار در پدیده‌های فرهنگی است که در معماری تأثیر می‌گذارد (خاکپور، شیخ مهدی، 1390: 232). شاین و راپاپورت برای درک بهتر مفهوم فرهنگ، یک سطح‌بندی ارائه دادند. شاین ارزش‌ها را به‌عنوان عوامل اساسی یا لایه درونی و مظاهر فرهنگ (شامل همه پدیده‌هایی است که یک نفر می‌بیند، می‌شنود و لمس می‌کند) را به‌عنوان لایه بیرونی معرفی کرده و سپس به سطح واسطی تحت عنوان هنجارها و قواعد رفتاری بین آن‌ها اشاره می‌کند. همچنین راپاپورت در سطح‌بندی خود برای محدود کردن مقوله فرهنگ در ارتباط با شکل خانه، ابتدا به کشف لایه‌ها و ابعاد پنهان مقوله فرهنگ پرداخته است و سپس ارزش‌ها را به‌عنوان

ریشه‌های نگرش اجتماعی و فرهنگی در معماری را باید در علوم جامعه‌شناسی و فرهنگ‌شناسی جستجو کرد. موضوع جامعه‌شناسان، مقیاس‌های مختلف اجتماعات انسانی از یک فرد تا خانواده و مجموع چند خانوار را در بر می‌گیرد و محققین معمار در تعاریف متعدد فرهنگ، بر آداب و رسوم، سنت‌ها و کردارهای اجتماعی، افکار و اعتقادات و نقش آن‌ها در معماری تمرکز دارند (معماریان، 1384: 370-373). جامعه‌شناسی به‌عنوان یک علم در نگاهی گسترده، به روابط جمعی افراد و کنش‌های متقابل آن‌ها نظر دارد و بر این اساس تعامل انسان‌ها با یکدیگر و محیط پیرامون و رفتارهای اجتماعی و خصوصیت فضایی که در آن زندگی می‌کند را معرفی می‌کند. آنچه رفتارهای فردی و

و بصری او است (همدانی گلشن، 1394: 87). به همین دلیل فضا و معماری دو همزاد توأمان هستند که سخن گفتن از یکی بدون حضور دیگری ممکن نیست. درک معماری با حضور انسان در درون یا بیرون فضا صورت می‌گیرد. خاطرات و ذهنیات گذشته ما از فضا و مکان نیز در ادراک ما از فضا موثر است (عمومی، 1376: 13). همچنین فعالیت‌هایی که انسان انجام می‌دهد نیاز به فضا دارد، بنابراین کارهای او دارای جنبه فضایی است. برای این که بشر بتواند به تصورات و ذهنیات خود عینیت بخشد، باید روابط بین اشیاء و آنچه در محیط قرار گرفته درک کرده و آن‌ها را در قالب مفهومی فضایی هماهنگ نماید. بنابراین فضا صورتی جامع و دربرگیرنده ارتباط میان انسان‌ها با یکدیگر و محیط است. معماری نیز برگرفته از چنین نیازی است و تجربه فضایی است که تمامی ارتباطات بر مبنای آن شکل یافته و سنجیده می‌شوند (سرتیپی‌پور، 1390: 11). مجموعه‌ای از روابط انسانی که در طول زمان ناپایدارند اما به ظاهر استوار، در آفرینش فضای معماری مؤلفه‌ای بسیار تعیین کننده به‌شمار می‌آیند. این مجموعه روابط، هم به مکان انسان‌ها بر مبنای اندیشه‌ها، سلیقه‌ها و نیازهایشان می‌نگرد و هم ناظر بر ارزش‌هایی است که آدمیان میان خود برقرار می‌کنند (فلامکی، 1381: 52). بنابراین فضا به مجموعه روابطی که بین مصرف کننده آن و اجزای تشکیل دهنده فضا و تغییرات آن وجود دارد، بستگی می‌یابد (معماریان، 1384: 242).

جایگاه نگرش فرهنگی - اجتماعی در شکل‌گیری روابط فضایی خانه‌های روستایی

شکل خانه نتیجه گسترده عوامل فرهنگی - اجتماعی است. تفاوت در ارزش‌های فرهنگی - اجتماعی بر بسیاری از رفتارهای ما تأثیر می‌گذارد و گوناگونی در

عوامل اصلی سازنده شیوه زندگی معرفی کرده است که با جهت دادن به فعالیت‌ها و چگونگی انجام آن‌ها به صورت بلافصل بر شکل خانه تأثیر می‌گذارد (یزدانفر و همکاران، 1392: 21). بنابراین می‌توان اذعان داشت که هر بنایی در بستر مکانی و زمانی خود گویای نگرش فرهنگی و اجتماعی ساکنان خود است که شکل می‌گیرد و این مفاهیم همواره در طول زمان پایدار می‌ماند. بنابراین تحلیل روابط فضایی با این نگرش کمک بسزایی در فهم سنجش رفتارها و روابط اجتماعی می‌کند. به گونه‌ای که تحلیل روابط فضایی با نگرش فرهنگی و اجتماعی در یک گونه معماری با مطالعه و آشنایی با فرهنگ زادگاه آن معماری امکان‌پذیر می‌باشد. در واقع معماری روستایی تبلور همین فرهنگ و آداب و رسوم اجتماع روستایی است و زمانی می‌توانیم به دلایل شکل‌گیری فضاهای خانه روستایی دست پیدا کنیم و درک صحیحی از آن داشته باشیم که فرهنگ و روابط اجتماعی خانه‌های روستایی را مورد بررسی قرار دهیم (طالقانی، 1390: 60).

فضا و روابط فضایی

فضا عامل اساسی در معماری است. تملک فضا به معنی توان دید بنا و یافتن کلید فهم و شناخت آن است. حضور در فضا و تجربه آن از نزدیک، جزئی از فضا شدن و نظاره نمودن فضا با حرکت در آن، مناسب‌ترین ابزار فهم و درک و تجربه معماری است (معماریان، 1384: 243-254). این ویژگی‌های بصری و حرکتی انسان در فضای معماری، شکل‌دهنده فضای معماری و روابط اجتماعی است. فضا و فعالیت انسانی دو ماهیت مستقل و متفاوت نیستند. بلکه یک ماهیت واحد هستند که این ماهیت واحد مستتر در انسان و ویژگی‌های حرکتی و بصری او است. در واقع جوهر شکل‌گیری فضا و روابط انسانی، هر دو انسان و ویژگی‌های حرکتی

شکل خانه را سبب می‌شود (معماریان، 1384: 383). با توجه به گستردگی و تعدد عوامل و نیروهای فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار اصلی بر شکل خانه، جستجو نظرات ارائه شده از سوی متخصصان دارای اهمیت می‌باشد و شاخص‌ها و عوامل متنوعی را معرفی می‌نماید. چنان که آموس راپاپورت، اجتماع و فرهنگ را به مثابه عامل تعیین‌کننده غیرمادی در شکل بنا می‌داند و معتقد است که کالبد سکونتی یک کنش انسانی است و حتی در سخت‌ترین شرایط و با تکنیک‌های محدود، باز هم یک انتخاب از میان انتخاب‌های متعددی است که نقش ارزش‌های فرهنگی را روشن می‌سازد (راپاپورت، 1388: 85). به گونه‌ای که عواملی چون نیازهای اولیه انسان مانند خواب، غذا و تشکیل خانواده، نیازهایی همچون حریم خصوصی و عمومی، تعاملات اجتماعی، ساختار خانواده و پدرسالاری و زن‌سالاری (که این عوامل نیز رفتارهایی چون مهمان‌نوازی را در بر می‌گیرد) را مورد توجه قرار می‌دهد (معماریان، 1384: 385). بنابراین می‌توان ادعا کرد که مسکن نه تنها خود بازنمود بی‌واسطه فرهنگ است بلکه در چگونگی تعامل انسان با مسکن، کنش‌های روزانه او بسیار مؤثر است. تعامل انسان با مسکن بر پایه روش‌های زندگی شکل می‌یابد آنچنان که شولتز معتقد است خانه فراتر از مسکن بوده و حاوی ارزش‌های فرهنگی و منضم به شیوه‌های زندگی است (خاکپور و همکاران، 1394: 9-11). علاوه بر کنش‌ها و شیوه‌های زندگی، برخی الزامات فرهنگی اجتماعی همچون تعاملات و ارتباطات اجتماعی مردم هر روستا که بر ویژگی‌های فرهنگی و مذهبی آن منطقه مبتنی بوده (به دلیل جمعیت کم روستا و روابط شخصی نزدیک که منجر به دیدار روزانه افراد روستا است) بر چگونگی ساخت مسکن و الگوهای مناسب خانه‌های روستایی مؤثر است (خاکپور و

شیخ‌مهدی، 1390: 234). درک هر محیطی به سادگی قابل رویت نیست. در درون این ساختار نظام نامرئی، آیینی و دینی براساس آداب و سنن به شکل تصورات، تخیلات شاعرانه، رویاها و کابوس‌ها مستتر است. بنابراین خاطرات ما از گذشته، بر معماری تأثیرگذار هستند و بعد چهارمی از فضا- زمان را برای بازگشت به گذشته را میسر می‌سازند (گلابچی و زینالی فرید، 1391). چنان‌که ابن خلدون نیز اعتقادات مذهبی، آداب و رسوم و کنش‌های فرامادی و البته خصوصیات روابط خویشاوندی و اقتصاد معیشتی، دیانت و اخلاق را نیز تأثیرگذار دانسته است (خاکپور و عشقی‌صنعتی، 1393: 8). علاوه بر آن زرگر و حاتمی‌خانقاهی نیز وجوه اجتماعی دیگری چون میزان امنیت، ترکیب و شکل خانوار، نحوه سکونت، میزان برخورداری از امکانات رفاهی و جایگاه اجتماعی افراد را در شکل‌گیری روابط فضایی خانه‌ها مؤثر می‌دانند (زرگر و حاتمی، 1393: 50). بنابراین با توجه به نظریات متخصصان و متفکران، عوامل فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر شکل خانه بسیار گسترده می‌باشد. لذا با تحلیل برخی از عوامل مذکور می‌توان چگونگی تأثیر نگرش‌های فرهنگی - اجتماعی را روی شکل خانه عنوان کرد و رابطه ملموس‌تری را بین این نگرش و معماری خانه‌های روستایی برقرار کرد (جدول شماره 2). در این راستا به چند مورد اشاره شده است:

الف - فرهنگ و آداب و رسوم

فرهنگ مجموعه‌ای از باورها، اعتقادات، ارزش‌ها، آداب و رسوم و سنن و مراسم گوناگون مذهبی و آیینی است (زرگر، 1390: 117). معماری روستایی نیز تبلور فرهنگ و آداب و رسوم اجتماع روستایی است. این خانه‌ها لبریز از نشانه‌های آیینی و مراسم سنتی فرهنگ منطقه است. شکل‌گیری فضاهای خانه و درک صحیح از ابعاد اتاق‌های خانه تحت تأثیر فرهنگ جامعه

همکاران، 1394: 10) و با توجه به شرایط فرهنگی - اجتماعی و نوع طبیعت و اقلیم از شرایط ویژه‌ای برخوردار است. چرا که در معماری برون‌گرا محرمیت نقش کم‌رنگ‌تری نسبت به معماری درون‌گرا دارد. در معماری برون‌گرا در بیشتر فصول سال در لایه‌های باز و شفاف خانه (ایوان‌ها)، حیاط و محوطه اطراف خانه جریان دارد. و فضاها نیز در یک بنا از نظر محرمیت به درجات مختلف تقسیم می‌شوند. اتاق‌ها نسبت به ایوان و ایوان نسبت به محوطه، فضای خصوصی‌تری محسوب می‌شود (طالقانی، 1390: 60). گاهی تعریف محرمیت در ارتباط با ایجاد مرز و حریم برای زندگی خصوصی خانواده است. در جوامع روستایی نیاز به ارتباط مستقل برخی فضاها با فضاهای دیگر در داخل یا خارج خانه، امکان استراحت برای افراد مسن‌تر خانواده و حضور مهمان همه عواملی هستند که به اشکال متنوعی در معماری خانه‌های روستایی ظهور می‌کنند (زرگر و حاتمی‌خانقاهی، 1393: 53).

روستایی می‌باشد (طالقانی، 1390: 60). برگزاری آیین‌ها و مراسم مذهبی، گاه فضاها و شکل معماری خاصی را طلب می‌کنند و نمودی از روح و معنویات حاکم بر فضای خانه می‌باشند. علاوه بر آن جهت‌های مذهبی اعتقادی و جهات سمبلیک نیز می‌توانند به‌عنوان عوامل تعیین‌کننده در جهت‌گیری خانه‌های روستایی مطرح باشند (زرگر و حاتمی‌خانقاهی، 1393: 52-53).

ب - محرمیت

حفظ حریم شخصی و محدوده حریم خصوصی، اجتماعی و عمومی نیز عاملی است که بر معماری به‌صورت ضوابط فرهنگی - اجتماعی مؤثر بوده و کنش‌های حفظ حریم موجب ظهور مراتب تسلسل فضایی در معماری مسکونی است. این خصوصیت از کنش‌های فرهنگی انسان است که در زمره روش‌های زندگی می‌باشد و در بستر اجتماع، نوزایی می‌شود. لذا نوع و درجه محرمیت در معماری، متفاوت است (خاکپور و

متخصصان	چکیده نظر	تأثیرات کالبدی منتج از نظر
رآپاپورت	کالبد سکونتی یک کنش انسانی است که نقش ارزش‌های فرهنگی را روشن می‌کند.	- اختصاص فضایی برای مهمان یکی از پاسخ‌ها به این رفتار بوده است. - ایجاد حریم خصوصی و عمومی
شولتز	خانه فراتر از مسکن بوده و شیوه‌های زندگی در شکل‌گیری آن مؤثر بوده است.	- ایجاد فضایی برای فعالیت‌هایی که در آن انجام می‌شود - ایجاد فضای شخصی، قلمرو فردی، قلمرو گروه‌های گوناگون
خاکپور و همکاران	تعاملات و ارتباطات اجتماعی مردم هر روستا بر چگونگی ساخت مسکن و الگوهای مناسب خانه‌های روستایی مؤثر است.	- ایجاد امنیت، صداقت و منافع مشترک در معماری روستایی - حذف حجاب‌ها و لایه‌های پنهان بنا
گلابچی و زینالی‌فرید	عوامل نامرئی چون آداب و رسوم آیینی و دینی، تخیلات شاعرانه و خاطرات گذشته در شکل‌گیری فضای معماری تأثیرگذار هستند.	- ایجاد فضاهایی برای برگزاری آیین و مراسم - درک صحیحی برای ابعاد اتاق‌ها - تزیینات با توجه به نمادها و نشانه‌ها
ابن خلدون	اعتقادات مذهبی، دیانت و اخلاق و کنش‌های فرامادی را در شکل‌گیری فضای معماری تأثیرگذار هستند.	- ایجاد مرز و حریم برای زندگی خصوصی خانواده - ظهور سلسله مراتب فضایی در معماری خانه‌ها - ایجاد لایه‌های باز و شفاف و یا لایه‌های بسته در فضای معماری خانه‌ها
زرگر و حاتمی‌خانقاهی	میزان برخورداری از امکانات رفاهی و جایگاه اجتماعی افراد در شکل‌گیری روابط فضایی خانه‌ها مؤثر است.	- ایجاد فضاهای خدماتی متعدد برای امور مربوط به تولید و توزیع و مصرف - ابعاد هر فضا با توجه به اقتصاد خانواده روستایی

ج 2. مختصری از نظرات متخصصان و متفکران در خصوص نگرش اجتماعی - فرهنگی و چگونگی تأثیر آن در شکل‌گیری روابط فضایی خانه‌های روستایی. منبع: نگارندگان.

ج - اقتصاد و معیشت

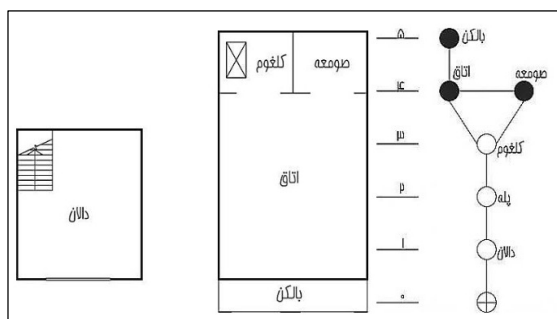
در خانه‌های روستایی فضا تحت تأثیر فعالیت‌های معیشتی است، خانه ارتباط مستقیم و تنگاتنگی با معیشت دارد. به عنوان مثال فعالیت اصلی یک خانواده روستایی کشت گندم و دامداری بوده که تأثیر آن در شکل‌گیری انبارها و طولیله‌های متعدد مشهود است. علاوه بر آن خانه‌های روستایی با توجه به شغل و اقتصاد خانواده ساخته شده تا بتواند پاسخگوی نیازهای آنان باشد. هرچه وضعیت مالی بهتر باشد، رفاه بیشتر و در نتیجه ابعاد اتاق‌ها بزرگ‌تر و تعداد آن‌ها بیشتر می‌شود (طالقانی، 1390: 60). بنابراین تأثیر بارز فعالیت‌های معیشتی و کنش‌های اقتصادی در خانه‌های روستایی را به سهولت می‌توان مشاهده نمود. به گونه‌ای که بیشتر متعلقات خانه و فضاهای خدماتی همانند تلمبار، کندوج و طولیله نیز به طور مستقیم در ارتباط با فعالیت‌های اقتصادی و معیشتی پدید آمده‌اند (خاکپور و عشقی‌صنعتی، 1393: 10). لذا برای امور مربوط به تولید و توزیع و مصرف، فضاهای متعددی را طلب می‌کند (زرگر، 1390: 104).

با توجه به موارد مذکور بیشترین تأثیر این عوامل بر روابط فضایی خانه‌های روستایی را می‌توان در چگونگی عناصر فضایی و سازمان فضایی خانه‌ها جستجو کرد. در این راستا پژوهش حاضر ارزیابی موارد مذکور را روی شکل خانه‌های روستایی در نمونه مطالعاتی محدود کرده و برای درک بهتر نتایج حاصل از تحلیل فضایی، از نمودار توجیهی بهره گرفته است.

نمودار توجیهی

بنیانگذاران نگرش فرهنگی و اجتماعی برای خواندن روابط اجتماعی در فضاها، از ابزاری ترسیمی به نام نمودار توجیهی استفاده می‌کنند (تصویر شماره 1). این نمودار روابط بین فضاها که براساس روابط کاربران آن‌ها شکل گرفته است را نشان می‌دهد. نمودار از

خط‌های مایل، عمودی و افقی، دایره‌های توپر و توخالی و اعداد تشکیل شده است. دایره خالی و پر، نمودار تمامی فضاها و دایره همراه با ضربدر یا به اضافه، نمودار مبدأ حرکت یا خارج و خط عمودی، نمودار عمق و ارتباط رده‌های فضاها و خط افقی، نمودار ارتباط فضاهای هم رده و همچنین خطوط مایل و در بعضی موارد خطوط منحنی، نشان‌دهنده ارتباط میان فضاها است که این خطوط، دو دایره را به یکدیگر متصل می‌کنند و همچنین اعداد، عمق هر فضا نسبت به فضای خارج را نشان می‌دهند (معماریان، 1384: 408). دایره‌های پر و خالی، هردو نشانگر فضا هستند. فضاهای ارتباطی مانند حیاط، راهرو و پلکان، با دایره توخالی و فضاهای دیگر با دایره توپر مشخص می‌شوند تا نمودار برای مخاطبان خواناتر شود. الگوی خطی از یک دایره با خطی عمودی به دایره دیگر، به معنای قرارگیری چند فضای تودرتواست. اما اگر دو اتاق یا فضایی که در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند به وسیله دری با یکدیگر ارتباط داشته باشند، خط افقی در نمودار نشان داده می‌شود. الگوی خطی به ما می‌گوید که برای گذر از هر فضا باید از یک فضای دیگر گذشت و هر رده عمیق‌تر شدن به معنای افزایش درجه خصوصی شدن فضاهای در عمق است (سهیلی و عارفیان، 1395: 478).



ت 1. نمونه‌ای از پلان و نمودار توجیهی یک خانه در ماسوله منبع: معماریان و صدوقی: 2011.

معرفی روستای کوهپیر

روستای کوهپیر در بخش کلاردشت، شهرستان چالوس در مسیر جاده بین روستای کردیچال - شکر کوه واقع شده است (تصویر شماره 3). این روستا به لحاظ موقعیت در طول جغرافیایی 51 درجه و 23 دقیقه شرقی و در عرض جغرافیایی 36 درجه و 40 دقیقه شمالی قرار گرفته است و ارتفاع آن از سطح دریا برابر با 1400 متر می باشد. فاصله روستا از مرکز شهرستان چالوس 50 کیلومتر و از مرکز دهستان کردیچال 2 کیلومتر می باشد. این روستا از شمال به روستای کلمه، از جنوب به روستای کردیچال، از غرب به کوه‌ها و اراضی ملی و از شرق به روستای شکرکوه محدود می گردد (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان مازندران، 1384).



ت 3. بافت روستای کوهپیر. مأخذ: نگارندگان.

مطالعه موردی و یافته‌ها

با توجه به نظر بسیاری از محققان، برای آشنایی با چگونگی تأثیر نگرش فرهنگی اجتماعی منطقه مطالعاتی بر روابط فضایی خانه‌های روستایی، باید به مطالعه عناصر فضایی و سازمان فضایی شکل‌دهنده این خانه‌ها پرداخت و آن‌ها را اینگونه توصیف کرد:

عناصر فضایی

مهم‌ترین عناصر فضایی خانه‌های روستایی این منطقه

مطالعات محیطی استان مازندران

محدوده مورد مطالعه در غرب استان مازندران واقع شده است که شامل شهرستان کلاردشت و چالوس می باشد. این محدوده از جنوب به استان البرز، از غرب به استان گیلان و از شمال به دریای خزر مرتبط می باشد (مولائی هاشجین و حسین‌نژاد، 1391: 6). این استان را براساس خصوصیات دما و بارش و توپوگرافی منطقه می توان به دو نوع آب و هوای معتدل خزری و آب و هوای کوهستانی تقسیم کرد (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان مازندران، 1384). ناحیه کوهستانی، بخش جنوبی استان مازندران را در بر می گیرد و آنرا از استان‌های سمنان، تهران، البرز و قزوین جدا می کند. ارتفاعات این ناحیه را رشته کوه البرز تشکیل می دهد، مانند کلاردشت.

بررسی اجمالی شهرستان کلاردشت

کلاردشت در استان مازندران قرار دارد و از توابع شهرستان چالوس می باشد (تصویر شماره 2) که از جنوب به قله تخت سلیمان تا حدود گردنه کندوان و از شمال به دریای خزر و شهر تنکابن و از شرق به چالوس، نوشهر و کجور و از غرب به قزوین و الموت محدود است و در ارتفاع 1250 متری و در فاصله 191 متری از شهر تهران قرار گرفته است (رهنمایی و همکاران، 1386: 21).



ت 2. موقعیت کلاردشت در نقشه. مأخذ: ویکیپدیا.

قرارگیری سه گونه فضایی باز (حیاط)، نیمه‌باز (ایوان) و بسته (اتاق‌ها) در کنار یکدیگر است. هر یک از این فضاها با توجه به نحوه زندگی خانواده‌ها، فضاهایی پر کاربرد بوده‌اند.

فضای باز: شامل حیاط است که در خانه‌های واقع شده در این منطقه، حیاط دور تا دور ساختمان و محل قرارگیری فضاهای خدماتی چون انبار، آشپزخانه، تنور و سرویس بهداشتی می‌باشد و برای انجام فعالیت‌های کشاورزی و دامداری استفاده می‌شود که در این‌گونه بناها معمولاً فضاهای خدماتی در ضلع غربی محوطه قرار دارد و در ضلع جنوبی برای دریافت نور فضایی قرار نمی‌گیرد. حتی دیواری گرداگرد حیاط وجود ندارد. همسایگی‌ها در فاصله کمی از ضلع شرقی، غربی و شمالی وجود دارد ولی در ضلع جنوبی با فاصله بیشتری قرار دارد. به طوری که می‌توان گفت غالباً محور طولی ساختمان‌ها شرقی غربی است و حیاط‌ها شمالی جنوبی. در خانه‌های این منطقه غالباً بخشی از فضاهای خدماتی همچون سرویس بهداشتی و تنور و انبار کاه در حیاط و بخشی دیگر همچون انبار علوفه، گندم و جو و محل نگهداری دام در طبقه همکف قرار دارد.

فضای نیمه باز: در هر سه گونه در این منطقه، استفاده از فضای نیمه باز همچون ایوان، به عنوان رابط بین فضای باز و بسته دیده می‌شود و عملکردهای گوناگونی

دارد. الگوی شکلی ایوان در این منطقه از دو فرم یک طرفه و دو طرفه تبعیت می‌کند و از عمق کمی برخوردار است و عملکرد آن برای حفاظت از باران، سرما و عوامل خارجی است که در اطراف اتاق‌ها ایجاد شده و در بسیاری از ماه‌های سال که اوضاع جوی هوا مناسب است برای انجام کارهایی از قبیل آشپزی، غذاخوری، کار و استراحت و گاهی اوقات برای نگهداری محصولات کشاورزی استفاده می‌شود.

فضای بسته: فضاهای بسته در این منطقه شامل فضای نگهداری دام، فضای خدماتی و فضای زندگی (فضای عمومی و خصوصی) می‌باشد. فضای خصوصی فضایی است که پخت و پز در آن صورت می‌گیرد و اعضای خانواده در آنجا روز خود را سپری می‌کنند و محل زندگی، غذا خوردن و خواب آن‌ها است و با توجه به اینکه به دلیل شرایط مالی روستاییان امکان اتاق اختصاصی برای هر یک از اعضای خانواده امکان‌پذیر نیست طراحی داخل اتاق‌ها به گونه‌ای است که با قرار دادن تاقچه‌های متعدد برای لوازم کاربردی و گنجه‌های بزرگ درون دیوار برای لباس یا رختخواب و فضاهایی از این قبیل نیازهای آن‌ها را برطرف می‌کند و فضای عمومی فضایی است که کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد و از آن برای پذیرایی از مهمان که ورودی جداگانه‌ای دارد استفاده می‌شود (تصویر شماره 4).



ت 4. تاقچه‌های دیواری کاربردی در یک اتاق چند عملکردی. مأخذ: نگارندگان.

اختصاص می‌یابد. در این منطقه غالباً آشپزی یا در ایوان صورت می‌گیرد و یا در فضاهای زیستی و ایوان با ستون‌های چوبی در اطراف اتاق‌ها وجود دارد. الگوی پلانی اکثر خانه‌ها به شکل خطی، L شکل و U شکل می‌باشد که در اغلب الگوی این پلان‌ها دو ورودی برای فضای عمومی و خصوصی قرار دارد که از ایوان به‌عنوان پیش ورودی فضاهای ذکر شده استفاده می‌شود و جهت قرارگیری هر سه نمونه بررسی شده به‌دلیل استفاده از نور آفتاب و تشخیص جهت قبله در خانه سمت جنوب است و بنا به دلایل اقلیمی دارای کشیدگی در امتداد محور شرقی-غربی می‌باشند (جدول شماره 3).

فضای نگهداری دام غالباً در طبقه پایین خانه قرار می‌گیرد و در این منطقه از دو انبار استفاده می‌شود که یک انبار در محوطه و برای نگهداری از گاو و انبار دیگر در ضلع غربی طبقه پایین برای نگهداری از علوفه، گندم و جو و ادوت کشاورزی و پرورش دام و طیور استفاده می‌شود.

سازمان فضایی

به‌طور کلی ساختار فضایی خانه‌ها در این منطقه به گونه‌ای است که خانه‌ها به شکل برون‌گرا طراحی و ساخته شده و اغلب خانه‌ها روی شیب و به‌صورت دو طبقه شکل گرفته است به شکلی که طبقات زیرین برای نگهداری دام و انبار و طبقه بالا به محل سکونت

روستا	مالک و قدمت	فضای باز	فضای نیمه باز	فضای بسته	تصاویر
روستای کوهر (حوزه کوهستانی کلاردشت) افت پراکنده و سرد و مرطوب	1- حوام‌الدین البانی (90 سال)	پلان همکف انبار طویل آشپزخانه تنور پلان طبقه اول طویل	الگوی خطی	خصوصی عمومی	خانه شماره 1
روستای کوهر (حوزه کوهستانی کلاردشت) افت پراکنده و سرد و مرطوب	2- مهیم محمود بانویی (100 سال)	پلان همکف انبار طویل آشپزخانه تنور	الگوی U شکل	عمومی خصوصی عمومی	خانه شماره 2
روستای کوهر (حوزه کوهستانی کلاردشت) افت پراکنده و سرد و مرطوب	3- فرخ علی محمود بانویی (70 سال)	پلان همکف انبار طویل آشپزخانه تنور پلان طبقه اول	الگوی L شکل	عمومی خصوصی	خانه شماره 3

ج 3. عناصر فضایی باز (حیاط)، نیمه باز (الگوی پلانی) و بسته (نحوه جداسازی عرصه عمومی و خصوصی) خانه‌های روستای کوهر. مأخذ: نگارندگان.

بحث و تحلیل یافته‌های پژوهش

ورودی و دو راهرو در ایوان از هم جدا می‌شوند و فضای عمومی در عمق بیشتری قرار دارد که این موضوع نشان‌دهنده این است که عمق بیشتر نشان‌دهنده خصوصی بودن بیشتر فضا نیست. در خانه شماره 3 فضای عمومی و خصوصی پشت سر هم قرار دارند و با یک ورودی در ایوان می‌توان وارد این دو فضا شد و به ترتیب فضای خدماتی، عمومی و خصوصی در عمق بیشتری قرار دارند که این بدین معنی است که عمق فضاها در خصوصی یا عمومی بودن فضا هیچ تأثیری ندارد. مفهومی که در این خانه‌ها بیشتر به آن توجه شده ایجاد محرمیت بین فضاها و احترام به مهمان است که تأثیر زیادی در سازمان فضایی خانه‌های روستایی می‌گذارد (جدول شماره 4).

سلسله مراتب رسیدن به یک فضا در معماری بسیار با اهمیت است. در این خانه‌ها فضاهایی به عنوان حیاط، پله و ایوان فضاهای ارتباطی هستند که در نمودار توجیهی عمق آن‌ها با فضاهای اصلی اختلاف کمی دارد. نقش این عناصر در ایجاد ارتباط بین فضاهای مختلف به روشنی خوانده می‌شود. در خانه شماره 1 فضای عمومی و خصوصی در کنار هم قرار دارند و با دو ورودی در ایوان از هم جدا می‌شوند به گونه‌ای که عمق فضای خصوصی و عمومی در یک رده قرار دارد که این به معنی درجه برابر بودن حریم خصوصی و عمومی است و در خانه شماره 2 فضای عمومی و خصوصی در کنار هم قرار دارند با این تفاوت که با دو

نام روستا	مالک و قدمت	تعداد طبقات	سازماندهی فضای داخلی	تحلیل فضایی با نمودار توجیهی	تصاویر
روستای کوهپر (حوزه کوهستانی کلاردشت) بافت پراکنده و سرد و مرطوب	۱. قوام الدین الیاسی (۹۰ سال)	دو طبقه	سازماندهی فضای داخلی شامل: حیاط عمومی، شیز خانه، ایوان	نمودار توجیهی با ۵ سطح و ۳ شاخه	خانه شماره ۱
روستای کوهپر (حوزه کوهستانی کلاردشت) بافت پراکنده و سرد و مرطوب	۲. مقیم محمود بابویی (۱۰۰ سال)	یک طبقه	سازماندهی فضای داخلی شامل: عمومی، خصوصی، حیاط، شیز خانه، ایوان	نمودار توجیهی با ۵ سطح و ۴ شاخه	خانه شماره ۲
روستای کوهپر (حوزه کوهستانی کلاردشت) بافت پراکنده و سرد و مرطوب	۳. فرخ علی محمود بابویی (۷۰ سال)	دو طبقه	سازماندهی فضای داخلی شامل: شیز خانه، عمومی، خصوصی، ایوان	نمودار توجیهی با ۶ سطح و ۳ شاخه	خانه شماره ۳

ج 4. الگوهای سازماندهی فضاهای داخلی و تحلیل فضایی با کمک نمودار توجیهی پلان خانه‌های روستای کوهپر. مأخذ: نگارندگان.

با مرور پیش نوشته‌ها می‌توان اذعان داشت که فضا در خانه روستایی براساس مفاهیم و الگوهای فرهنگی و اجتماعی شکل می‌گیرد که بیان درک محتوای زندگی است و روابط فضایی در معماری خانه‌های روستایی، براساس عوامل فرهنگی (مجموعه‌ای از باورها، اعتقادات، آداب و رسوم و مراسم گوناگون مذهبی و آیینی) و عوامل اجتماعی (شیوه زندگی روزمره، ساختار خانواده، روابط و جایگاه اجتماعی افراد، تقسیم کار و ...) شکل می‌گیرد که همه این عوامل در واقع پاسخگویی به نیازهای انسان و تأمین امنیت و حریم خانواده است. دستاوردهای این مقاله نشان می‌دهد که نگرش فرهنگی - اجتماعی مقید به زمان و مکان است و در پاسخ به نیازهای مادی و غیر مادی انسان شکل می‌گیرد که در روابط فضایی خانه‌های روستایی نمود پیدا می‌کند. این نمود در روستای مورد نظر، بیشترین تأثیر را در فضاهای فضای باز، نیمه‌باز، بسته (عمومی و خصوصی) داشته که در قالب جدول، نقشه و تصاویر نشان داده شده است.

نتایج بررسی حاصل از تحلیل روابط فضایی بر روی نمونه‌های مورد مطالعه در پژوهش حاضر مؤید این نکته است که مهم‌ترین ویژگی این روابط که توسط سازندگان خانه‌های روستایی مورد توجه قرار گرفت، محرمیت و جداسازی حریم عمومی و خصوصی (مهمان و خانواده) قبل از ورود به داخل خانه است. به‌گونه‌ای که با ایجاد حریم، مرزهای متفاوت ایجاد شده است. این عناصر از درونی‌ترین سطح تا بیرونی‌ترین سطح، به‌صورت سلسله مراتبی با هم ارتباط داشته و در نهایت به معماری خانه شکل و جهت می‌دهد که با به‌کارگیری روش نمودار توجیهی و سنجش چند گونه متفاوت از خانه‌های منطقه مورد مطالعه، براساس نگرش

فرهنگی و اجتماعی، به میزان عمق و ارتباط فضاها با یکدیگر به‌صورت عددی رسیدیم. نتایج نشان می‌دهد که با مبنا قرار دادن فضای مهمان، تفاوت در میزان عمق این فضا در سه گونه خانه‌های روستایی، در خصوصی یا عمومی بودن فضا هیچ تأثیری ندارد، مهم روابط فضایی خانه‌های روستایی است که براساس این دو فضا سازمان می‌یابد.

توجه به این نکته مهم است که رجوع به گذشته به معنای تلاش برای درک دانشی است که به فراموشی سپرده شده از این رو نتایج حاصل از این تحلیل می‌تواند به دانشجویان معماری به منظور رسیدن به یک الگوی طراحی مناسب یاری رساند.

پی‌نوشت

1. Paul Oliver
2. Amos Rapoport
3. Rapaport
4. Steadman
5. Bill Hillier and Julian Hanson

فهرست منابع

- الکساندر، کریستوفر. (1384)، یادداشت‌هایی بر ترکیب فرم، ترجمه سعید زرین مهر، نشر روزنه، تهران.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان مازندران، (1384)، طرح هادی روستای کوهپیر، مازندران، چالوس.
- خاکپور، عشقی؛ صنعتی، حسام. (1393)، بررسی اثرگذاری عوامل اجتماعی فرهنگی بر بافت کالبدی روستاهای گیلان، نشریه مسکن و محیط روستا، سال سی‌وسوم، شماره 148، صص 20-3.
- خاکپور، مژگان؛ شیخ‌مهدی، علی. (1390)، بررسی تأثیر فرهنگ و تغییرات اجتماعی بر مسکن روستایی گیلان، نشریه مدیریت شهری، دوره 9، شماره 27، صص 229-246.
- خاکپور، مژگان؛ انصاری، مجتبی؛ شیخ‌مهدی، علی؛ طاووسی، محمود. (1394)، ویژگی‌های اجتماعی - فرهنگی مسکن بومی، نشریه مسکن و محیط روستا، شماره 149، صص 14-3.
- راپاپورت، آموس. (1388)، انسان‌شناسی مسکن، ترجمه خسرو افضلیان، نشر حرفه هنرمند، چاپ اول، تهران.

- رکنی، نوشین؛ احمدی، وحید. (1396)، واکاوی نظام فضایی پنهان معماری بومی مسکونی مشهد براساس تئوری نحو فضا، پژوهشنامه خراسان بزرگ، سال 8، شماره 26، صص 39-58.
- رهنمایی، محمدتقی؛ فرهودی، رحمت الله؛ دیتمان، اندریاس؛ قدمی، مصطفی. (1386)، بررسی ظرفیت تحمل حوزه مقصد گردشگری با تأکید بر جامعه میزبان، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره 41، شماره 66، صص 17-33.
- زرگر، اکبر. (1390)، درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- زرگر، اکبر؛ حاتمی‌خانقاهی، توحید. (1393)، وجوه مؤثر بر طراحی مسکن روستایی، نشریه مسکن و محیط روستا، سال سی‌وسوم، شماره 148، صص 45-62.
- سرتیپی‌پور، محسن. (1390)، پدیدار شناسی مسکن روستایی، مسکن و محیط روستا، سال سی‌ام، شماره 133، صص 3-14.
- سیادتان، سعید رضا؛ پورجعفر، محمد رضا. (1393)، آزمون کاربرد گراف توجیهی در معماری ایرانی-اسلامی، نشریه نقش جهان، سال چهارم، شماره 3، صص 27-42.
- سهیلی، جمال الدین؛ عارفیان، انسیه. (1395)، تحلیل روابط اجتماعی انسانی در فضاهای مسجد مدرسه‌های دوره قاجار قزوین براساس رویکرد نحو فضا، نشریه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره 48، شماره 3، صص 475-491.
- طالقانی، محمود. (1390)، خانه بهزادی میراث معماری روستایی گیلان (3) کوهپایه شرق، مؤسسه تألیف ترجمه و نشر آثار هنری متن، تهران.
- طباطبایی ملاذی، فاطمه؛ ژاله، صابر نژاد. (1394). رویکرد تحلیلی نحو (چیدمان) فضا در ادراک پیکره‌بندی فضایی مسکن بومی قشم (نمونه موردی روستای لافت). نشریه مسکن و محیط روستا، سال سی و پنجم، شماره 154، صص 75-88.
- عمومی، محمد. (1376)، معماری الگو نظم، نشر خاک، تهران.
- فتحی، حسن. (1382)، ساختمان سازی با مردم، ترجمه دکتر علی اشرفی، انتشارات دانشگاه هنر، تهران.
- فلامکی، محمد منصور. (1381)، ریشه‌ها و گرایش‌های نظری معماری، نشر فضا، تهران.
- گلابچی، محمود؛ زینالی فرید، آ. (1391)، معماری آرکی تایی (کهن الگویی)، انتشارات دانشگاه تهران.
- مداحی، سید مهدی؛ معاریان، غلامحسین. (1395)، تجزیه و تحلیل پیکره‌بندی فضایی خانه‌های بومی با رویکرد نحو فضا، نشریه مسکن و محیط روستا، سال سی و پنجم، شماره 156، صص 49-66.
- معاریان، غلامحسین؛ طبرسا، محمدعلی. (1392)، گونه و گونه شناسی معماری، نشریه علمی-پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران، شماره 6، صص 103-114.
- معاریان، غلامحسین. (1384)، سیری در مبانی نظری معماری، انتشارات سروش دانش، تهران.
- مولانی هاشچین، نصراله؛ حسین نژاد، معصومه. (1391)، نقش مسکن سنتی روستاهای کوهپایه‌ای و کوهستانی در توسعه پایدار روستاهای غرب مازندران (رامسر-تنکابن)، چشم‌انداز جغرافیایی (مطالعات انسانی)، سال 7، شماره 18، صص 1-17.
- هدایت، اعظم؛ طبائیان، سیده مرضیه. (1391)، بررسی عناصر شکل دهنده و دلایل وجودی آن‌ها در خانه‌های بافت تاریخی بوشهر، نشریه شهر و معماری بومی، دوره 3، شماره 3، صص 35-52.
- همدانی گلشن، حامد. (1394)، باز اندیشی نظریه نحو فضا رهیافتی در معماری و طراحی شهری، نشریه هنرهای زیبا، دوره 20، شماره 2، صص 85-92.
- یزدانفر، عباس؛ حسینی، سید باقر؛ زرودی، مصطفی. (1392)، فرهنگ و شکل خانه، نمونه موردی خانه‌های سنتی شهرستان تنکابن و رامسر، نشریه مسکن و محیط روستا، سال سی و دوم، شماره 144، صص 17-32.
- Ahmad Aly, Sherine Shafik, (2011). Modernization and regionalism: Approaches for sustainable revival of local urban identity. Elsevier, 21: 503-512.
- Bellal, Taher. (2007), Spatial Interface Between Inhabitants and Visitors in M'zab Houses, in A.S. - <https://doi.org/10.22034/38.166.19>